

# معرفی و بررسی اجمالی کتاب

## عقیده الشیعه\*

**دکتر حسن حسین زاده شانه‌چی**

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

### چکیده

یکی از موضوعات مورد توجه شرق‌شناسان به‌خصوص در یک قرن اخیر، تاریخ و عقاید شیعیان دوازده امامی بوده است و کتاب عقیده الشیعه، یکی از تألیفات آنان در این موضوع است که در اوایل قرن بیست میلادی به رشته تحریر درآمده است. دوايت دونالدسن نویسنده انگلیسی‌زبان این کتاب، بخشی از آن را نخست به عنوان رسالهٔ دکتری خود به انجام رساند و سپس با افزودن بخش‌های تکمیلی دیگر، آن را در قالب کتاب فعلی عرضه نمود. این کتاب به زبان عربی ترجمه شده که در این مقاله - به علت عدم دسترسی به متن اصلی - از این ترجمه استفاده شده است. نقل مشاهدات عینی، تجزیه و تحلیل مطالب، استفاده از شیوهٔ تطبیقی در بیان عقاید و بهره‌گیری از منابع متنوع و فراوان، اعم از تألیفات شیعی و غیر شیعی و به زبان‌های اسلامی و غیر اسلامی از امتیازات این اثر می‌باشد. با این حال نواقص و کاستی‌هایی ناروا نسبت به عقاید شیعیان نیز در آن به چشم می‌خورد. در این مقاله سعی شده تا ضمن معرفی این اثر، به اختصار به برخی خطاها و نواقص موجود در این اثر اشاره شود.

**کلیدواژه‌ها:** شرق‌شناسی، تشیع، کتاب عقیده الشیعه، دونالدسن.

## مقدمه

یکی از عرصه‌هایی که شرق‌شناسان به‌خصوص در قرن‌های اخیر بدان توجه بسیار داشته‌اند، موضوع تشیع از بُعد تاریخی و اعتقادی آن بوده است؛ به گونه‌ای که کتاب‌های متعددی در این باره به قلم محققان غربی به رشته تحریر درآمده است؛ با این حال در بین آثار مربوط به شیعه‌شناسی، تحقیقات مربوط به تشیع اثنی‌عشری در مقایسه با آثار مشابه دربارهٔ دیگر فرق شیعی، کمتر بوده است؛ چنان‌که ادوارد براون پژوهشگر و ایران‌شناس انگلیسی به این کمبود اشاره می‌کند و می‌گوید: «همواره به کتابی فراگیر و معتبر دربارهٔ عقاید شیعه به هر زبان اروپایی نیازمند بوده‌ایم» (دونالدسن، ۱۴۱۰، ص ۵. به نقل از: براون، p. 418, *Pesian Literature in Modern Time*).

از سوی دیگر در یک قرن اخیر بنا به عوامل مختلف از جمله به سبب تحولات سیاسی و رویدادهای پدیدآمده در منطقهٔ خاورمیانه، مطالعات مربوط به تشیع اثنی‌عشری رشد بیشتری یافت که کتاب عقیدهٔ الشیعه (*The shiite Religion*) اثر نویسنده انگلیسی دوایت. ام. دونالدسن (D. M. Donaldson) یکی از این دسته مطالعات می‌باشد که در سال ۱۹۳۳ میلادی در شهر مشهد نوشته شد.

دونالدسن دکترای خود را در رشته فلسفه گرفت که بخشی از رسالهٔ دکترای او که مربوط به زندگانی دوازده امام شیعی است، از همین کتاب عقیدهٔ الشیعه بود. استادان وی در این کار جیوت از دانشگاه هاروارد و مک‌دونالد و شلابیر از مدرسهٔ کندی دانشگاه هارتفورد بودند؛ همچنین شرق‌شناسان دیگری چون نیکلسن از دانشگاه کمبریج و جاکسن از دانشگاه کلمبیا - که در سال‌ها قبل از تألیف این کتاب مدتی در شهر مشهد به سر برده بود - بر تألیف این کتاب اشراف داشتند و نوشته‌های اولیهٔ آن را می‌خواندند و نکات لازم را به نویسنده یادآوری می‌کردند. دونالدسن در بخش‌های مربوط به تشیع در ایران نیز از دکتر ساموئل. ام. زویمر از نویسندگان مجلهٔ «العالم

الاسلامی» و دکتر رویرت. ای. سبیر از اعضای هیئت مطالعات خارجی مؤسسه «البر سبیریان» کمک گرفته است (دونالدسن، ۱۴۱۰، ص ۶۵). از آثار دیگر او، بیش از ده مقاله منتشر شده در مجله «العالم اسلامی» می‌باشد که از جمله آنها می‌توان به: محمد و غزالی (۱۹۱۸ میلادی)، سلمان فارسی (۱۹۲۹ میلادی)، عقیده شیعه درباره امامت (۱۹۳۱ میلادی) و قانون جدید ایران (۱۹۳۴ میلادی) اشاره کرد (ر.ک به: عقیقی، ۱۹۶۴، ص ۵۲۸ / عبداللهی خوروش، ۱۳۶۲ ش، ص ۵۲۳).

کتاب مذکور، در سی و سه فصل تدوین شده است که فصل نخست به موضوع خلافت از دیدگاه شیعه اختصاص یافته است. در این فصل به وقایعی از زندگانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در آن به مسئله خلافت امام علی علیه السلام تصریح گردیده است، مانند واقعه غدیر خم اشاره شده است؛ در ادامه نیز به نزاع بین مهاجرین و انصار در موضوع خلافت و تجمع آنان در سقیفه بنی ساعده پرداخته شده است. فصل دوم درباره دوره خلافت ابوبکر و عمر بن خطاب و عثمان است و به اختصار وقایع مربوط به خلافت در این دوره و مواضع امام علی علیه السلام را نسبت به این موضوع بیان می‌کند. فصل‌های سوم تا بیست و سوم به زندگانی امامان علیهم السلام تعلق دارد و در هر فصل به شرح شخصیت و زندگانی یکی از ائمه علیهم السلام می‌پردازد؛ به جز امام علی علیه السلام که دو فصل سوم و چهارم را دربر گرفته است.

در هر فصل، نویسنده به برخی مشخصات فردی هر امام اشاره می‌کند و سپس وقایع مهم سیاسی و اجتماعی زمان وی را، مانند خلفای معاصر هر امام، قیام‌ها، پیدایش فرقه‌های شیعی و مدعیان امامت و اموری مانند آن را که با زندگانی ائمه ارتباط داشته است، به اختصار می‌آورد. در میان این فصول یک فصل نیز به جهت اهمیت موضوع، به تنهایی به قیام عباسیان اختصاص یافته است.

قسمت اصلی هر فصل، شرح فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی هر امام

است که مؤلف در این قسمت نیز به اختصار عمل کرده است؛ به طوری که هر فصل به طور متوسط هشت تا ده صفحه را شامل می‌شود. طبیعتاً درباره برخی امامان که اطلاعات تاریخی بیشتری موجود بوده، مانند امام علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام مطالب بیشتری آورده شده است و درباره امامانی که اطلاعات تاریخی کم بوده است، مانند امام باقر یا امام جواد علیه السلام مطالب نیز کمتر است.

در بین این فصل‌ها، فصولی نیز به معرفی شهرهای نجف، کربلا، مدینه، مشهد، کاظمین و سامرا که مدفن امامان است، تعلق دارد (دونالدسن، ۱۴۱۰، فصل‌های ۸، ۱۳، ۱۶، ۱۸ و ۲۲). مؤلف در این فصل‌ها به توصیف مدفن و مزار ائمه علیهم السلام در این شهرها و حوادث تاریخی مربوط به آنها می‌پردازد. او ضمن توصیف مختصری از جغرافیای تاریخی این شهرها، مطالبی درباره فضیلت زیارت هر امام به نقل از منابع شیعی، کیفیت زیارت آن امام و آمد و شد زائران به این اماکن و گاه ادعیه و زیاراتی که در آنجا خوانده می‌شود، آورده است (همان، صص ۷۹-۸۰ و ۲۴۸-۲۴۹). مفصل‌ترین این مطالب در توصیف مزار امام حسین و مزار امام رضا علیه السلام در کربلا و مشهد می‌باشد (همان، صص ۱۰۲-۱۱۲ و ۱۷۸-۱۹۴).

در فصول بعدی کتاب، موضوعاتی از تاریخ و عقاید شیعه مطرح گردیده است. مؤلف در دو فصل دیگر، اماکن زیارتی شیعیان را معرفی کرده است و نخست به مزار امامزادگان اشاره نموده و مفصل‌ترین مطالب را به فاطمه معصومه علیه السلام و عبدالعظیم حسنی علیه السلام اختصاص داده است. در ادامه نیز از قدمگاه‌ها، قبور اصحاب پیامبر و قبور عالمان و شاعران و مردان پاک‌سرشت سخن به میان آورده است و در پایان، مطالبی درباره زیارت نیابتی و چگونگی و آداب آن ذکر کرده است.

فصل بیست و ششم کتاب، درباره دولت آل بویه به عنوان یکی از مقتدرترین دولت‌های شیعه می‌باشد. مؤلف در این فصل بیشتر درباره چگونگی روی کار آمدن

این خاندان و تأثیرات حاکمیت آنان بر تحولات فرهنگی شیعه گفتگو کرده و کمتر به رخدادهای سیاسی عصر آل بویه توجه نشان داده است. دو فصل بعدی (فصل‌های ۲۷ و ۲۸) به تاریخ فرهنگی شیعه اختصاص یافته است و در آن، چگونگی تدوین کتب حدیثی شیعه بررسی و از اولین تألیفات در این باب نام برده شده است؛ همچنین ضمن بیان فعالیت‌های مجتهدان و عالمان شیعه در دوره‌های تاریخی مختلف به نام برخی بزرگان ایشان اشاره شده است. فصل‌های آخر کتاب (فصل‌های ۲۹-۳۲) به بررسی برخی عقاید شیعیان، مانند مسئله امامت، عصمت پیامبران و ائمه و شفاعت ایشان مربوط است. فصل سی و سوم نیز درباره ظهور فرقه‌های مرتبط با تشیع مثل اسماعیلیه، شیخیه، بابیه و بهائیه است.

یکی از ویژگی‌های این کتاب، به‌خصوص در توصیفات نویسنده از شهرهای مذهبی، ذکر مشاهدات عینی مؤلف می‌باشد. مؤلف می‌گوید خود این شهرها و مشاهد ائمه را دیده است و البته خاطرنشان می‌کند که جهانگردان غربی در دیدار از این مشاهد دچار مشکل می‌شده‌اند؛ زیرا به آنان اجازه دخول به این اماکن داده نمی‌شده است (دونالدسن، ۱۴۱۰، ص ۵)؛ با این حال وی موفق شده پس از ۱۶ سال زندگی در شهر مشهد بزرگ‌ترین این مشاهد را مورد بررسی قرار دهد. بر این اساس، او هر یک از این مشاهد را با ذکر خلاصه‌ای از تاریخش توصیف می‌نماید تا از این طریق تصویری از آرزو و ایمان هزاران مسلمان در کشورهای مختلف اسلامی را که برای آموزش گناهانشان راه‌های دور را تا این شهرها طی می‌کنند، ارائه دهد (همان).

نکته قابل توجه دیگر در تحقیقات مؤلف، تطبیقی بودن آن است؛ به این معنا که وی در موارد متعدد به هنگام بیان عقیده شیعیان در یک موضوع خاص، آن را با عقیده اهل سنت مقایسه می‌کند و اعتقاد سنیان در آن باب را نیز ذکر می‌کند که از آن جمله می‌توان به مسئله مهدویت اشاره نمود. دونالدسن در فصل مربوط به امام

دوازدهم به تفصیل درباره عقیده به مهدی و ظهور وی سخن می‌گوید و نخست به عقیده اهل سنت می‌پردازد. او پس از اشاره به روایت‌ها و بشارت‌های منقول از پیامبر ﷺ در این باره، اعتقاد به مهدویت را معلول شرایط سیاسی و اجتماعی در عصر اموی می‌داند و می‌گوید: به احتمال قوی، ناکامی در برقراری عدالت و مساوات در جامعه اسلامی که در دوره حکومت امویان ظاهر گشت، از اسباب پیدایش اندیشه ظهور مهدی در آخرالزمان بود. او شواهد تاریخی‌ای نیز مانند ظهور کیسانیه و اعتقاد آنان مبنی بر مهدی بودن محمد حنفیه و رجعت او در دوره امویان و نیز کاربرد اصطلاح مهدی در حدود دویست سال پیش از تدوین احادیث و عدم اشاره به مهدویت در قرآن ارائه می‌دهد. سپس به توضیح عقیده شیعیان در این موضوع به عنوان یکی از اعتقادات اساسی می‌پردازد و استدلال‌های آنان اعم از آیات و روایات را ذکر می‌نماید (دونالدسن، ۱۴۱۰، ص ۲۳۰-۲۳۴). مؤلف در موضوعات اعتقادی دیگری چون خلافت و زیارت نیز این شیوه تطبیقی را به کار برده است (همان، صص ۲۳ و ۲۶۷).

### بررسی منابع

دونالدسن سعی کرده است در کتاب خود از منابع شیعی استفاده کند؛ لذا در مباحث تاریخی اغلب به کتاب‌های تاریخ یعقوبی، مروج الذهب مسعودی و نیز اخبار الطوال دینوری - که وی را شیعه دانسته است - ارجاع داده است (همان، صص ۸۴، ۸۶، ۸۸، ۹۲، ۱۰۹، ۱۱۵ و ۱۱۶). در خصوص منابع روایی و عقیدتی شیعه نیز، بیشتر از تألیفات متأخرین بهره برده است؛ از جمله تألیفات محمدباقر مجلسی، مانند کتاب تحفة الزائرین (همان، صص ۱۰۴ و ۱۰۸)، تذکرة الائمة (همان، ص ۱۲۶) و بحارالانوار (همان، ص ۲۷۱) و نیز قصص العلماء تنکابنی (همان، ص ۲۶۹) و

خلاصه‌ال‌اخبار سید محمد مهدی (همان، ص ۱۲۷)؛ اما از منابع متقدم از جمله اصول کافی (همان، ص ۱۰۹) و فهرست شیخ طوسی (همان، ص ۲۸۴) به طور محدود استفاده کرده است.

علی‌رغم اینکه هدف دونالدسن بیان عقاید شیعیان بوده است، اما در موارد متعددی از منابع اهل سنت بهره برده است. برخی از منابع اهل سنت که بسیار مورد استفاده او بوده است، طبقات الکبری ابن سعد (برای نمونه رک به: همان، صص ۶۲ و ۲۰۵)، مسند احمد بن حنبل (همان، صص ۶۳ و ۱۰۰)، وفيات الاعیان ابن خلکان (همان، صص ۱۰۲ و ۱۵۸) می‌باشند؛ برای مثال او در باب عقیده شیعیان نسبت به امامت حضرت علی علیه السلام می‌گوید: جایگاه آن حضرت در روایات شیعی را هاله‌ای از افسانه‌ها در برگرفته است؛ و سپس به منظور ارائه شواهدی از این افسانه‌ها، روایاتی از کتب اهل سنت مانند طبقات ابن سعد، تاریخ الخلفاء سیوطی و مسند امام احمد حنبل می‌آورد و حتی به دائرةالمعارف اسلام و کتابی از ونسینگ، شرق‌شناس هلندی ارجاع می‌دهد (همان، ص ۶۱۶۰). به همین ترتیب درباره شخصیت علمی امام علی علیه السلام به کتاب‌هایی چون طبقات ابن سعد و وفيات الاعیان ابن خلکان استناد می‌کند (همان، ص ۶۳۶۲) و در نهایت هم می‌گوید: این نویسندگان برای نشان دادن آنکه شخصیت علمی علی علیه السلام کمتر از بُعد جنگاوری وی نبوده است، خود را به زحمت بسیار انداخته‌اند (دونالدسن، ۱۴۱۰، ص ۶۳).

همچنین بخش عمده‌ای از منابع دونالدسن را تألیفات شرق‌شناسانی مانند استانلی لین پول، ادوارد براون، توماس آرنولد، سر ویلیام مور، گای لسترنج، مک‌دونالد، ونسینگ، هرخرونی، ولهاوزن، مارگولیت، گلدزهر و بسیاری کسان دیگر تشکیل می‌دهد که شمار آنها تقریباً به یکصد تألیف، یعنی

حدود نیمی از منابع مورد استفاده دونالدسن می‌رسد (در این باره به فهرست مراجع کتاب عقیده الشیعه مراجعه شود). در این میان، کتاب‌های ویلیام مویر\* انگلیسی از تألیفاتی است که دونالدسن به فراوانی به آنها ارجاع داده است. دونالدسن از سه کتاب مویر به نام‌های «زندگانی محمد»، «خلافت، فراز و فرود و انقراض» و «فلسفه کندی» استفاده کرده است که بیشترین ارجاعات او به کتاب دوم می‌باشد (برای نمونه ر.ک به: همان، ص ۸۸، ۹۰، ۹۵، ۱۱۴ و ۱۲۳). یکی دیگر از همین منابع، دایرةالمعارف اسلام (Encyclopedia of Islam) است که مقالات آن را شماری از شرق‌شناسان بنام تدوین کرده‌اند و در بین آنان افراد نه چندان خوشنامی چون هنری لامنس\*\* - کشیش و مبلغ متعصب بلژیکی - هم وجود دارد که از قضا دونالدسن از مقالات او در دایرةالمعارف به کرات استفاده کرده است.

نمونه دیگری از تألیفات متأخرین که به فراوانی مورد استفاده دونالدسن بوده است، کتاب «الامویون و العباسیون» نوشته جرجی زیدان نویسنده مسیحی و مصری است (همان، صص ۹۷ و ۲۷۷).

\* سر ویلیام مویر (۱۸۱۹-۱۹۰۵) خاورشناس و مبلغ و کارمند اداری انگلستان در هند بود. او گرایش تبلیغی شدیداً متعصبانه‌ای نسبت به مسیحیت داشت و بر این اساس در تألیفات متعددش حملات شدیدی به اسلام نموده است (ر.ک به: بدوی، فرهنگ کامل خاورشناسان، ۱۳۷۵ ش، صص ۴۰۲-۴۰۴).

\*\* هنری لامنس (۱۸۶۲-۱۹۳۷) به تعصب و تندروی در آرا و ضدیت علیه اسلام شهرت دارد و تألیفات فراوان او در تاریخ اسلام عمدتاً جانبدارانه و خصمانه و حاوی اشکالات بسیار است. او مقالات متعددی نیز برای دایرةالمعارف اسلام تدوین کرده است که از جمله آنها مدخل مربوط به امام حسن مجتبی علیه السلام است (ر.ک به: بدوی، ۱۳۷۵ ش، صص ۳۵۶ / طباطبائی، ۱۳۷۵ ش، صص ۱۶۹).



## بررسی محتوایی

در مطالب کتاب، اشتباهات متعددی به چشم می‌خورد که برخی در باب تاریخ تشیع است و برخی به عقاید شیعیان مربوط می‌شود؛ به همین ترتیب دونالدسن گاه در تحلیل‌ها و برداشتهای خود در این امور، دچار خطاهایی شده است که این خطاها یا به سبب نوع منابع مورد استفاده او و یا به جهت عدم تتبع کافی در منابع بوده است. در ادامه به برخی از اشتباهات مهم وی در موضوعات مختلف اشاره می‌شود.

### ۱. عقاید شیعه

#### ۱-۱. ارثی بودن خلافت

دونالدسن از کسانی است که عقیده دارند خلافت از نظر شیعه ارثی است و رویدادهای تاریخی را بر این اساس توجیه و تفسیر می‌کند؛ از جمله در توضیح واقعه غدیر بعد از اشاره به اینکه مسعودی بر خلاف یعقوبی این واقعه را پس از غزوه حدیبیه ذکر کرده است و پس از بیان این احتمال که رویداد غدیر خم و اعلام ولایت امام علی علیه السلام در دو نوبت (اول در غزوه حدیبیه و دوم در حجة الوداع) بوده است، در توجیه این دو بار اعلام رسمی، اظهار می‌دارد: در نوبت اول که در سال ششم هجری بوده است، پیامبر پسری نداشت و دو نواده او یعنی امام حسن و امام حسین علیهما السلام نیز کودک و در سنین سه و چهار سالگی بودند (یکی از اشتباهات تاریخی دونالدسن در همین جاست که سن امام حسن را کمتر از امام حسین، یعنی سه سال و چهار سال دانسته است) (دونالدسن، ۱۴۱۰، ص ۲۳) و امکان تعیین آنها به عنوان خلیفه بعد از وی وجود نداشت؛ مگر اینکه علی را به عنوان خلیفه بعد از خود معرفی کند؛ زیرا انتساب این دو نواده دختری پیامبر صلی الله علیه و آله به وی بر خلاف عادت اعراب بود (همان، ص ۲۳. به نقل از: هرخرزویه، تحقیقی در باب محمدیان، ص ۲۸۹).

وی در ادامه، دربارهٔ اینکه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از صمیم قلب راضی نبود که شخصی از خانواده او حتی از نسل علی عَلِيٌّ جانشین شود، بلکه به شدت خواستار داشتن پسری برای این منظور بود، با ازدواج‌های پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با سه تن از همسرانش و نیز اختیار کردن دو جاریه در این سال و سال بعد (هفتم هجری) استناد می‌کند. خوشحالی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به سبب ولادت ابراهیم از یکی از این زنان (ماریه قبطیه) و توجه بیشتر آن حضرت به ماریه، دونالدسن را بر این عقیده‌اش استوارتر کرده است (همان، ص ۲۴). او در ادامه با طرح این سؤال که «آیا اخبار مربوط به بیعت با علی در غدیر خم نتیجهٔ مصیبتی نبود که در این اواخر با وفات ابراهیم به پیامبر رسید؟ با توجه به این حقیقت که دیگر همسرانی که پیامبر به تازگی با آنها ازدواج کرده بود نیز باردار نبودند» (همان) چنین قلمداد می‌کند که انتخاب امام علی عَلِيٌّ به جانشینی و خلافت، ناشی از نبود گزینه‌ای دیگر از نسل پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود. او همچنین در این باب به فاصلهٔ زمانی کم (حدود ۹ ماه) بین درگذشت ابراهیم و واقعهٔ غدیر خم اشاره می‌کند (دونالدسن، ۱۴۱۰، ص ۲۵).

دونالدسن در جای دیگر (باب مربوط به امام سجاد عَلِيٌّ) دوباره بر نظر خود نسبت به ارثی بودن خلافت تأکید می‌ورزد. او پس از اشاره به قائلین به امامت محمد حنفیه می‌گوید: گروه دیگر شیعیان عقیده داشتند امام حسین عَلِيٌّ بر امامت پسرش حضرت زین‌العابدین تصریح کرده بود. دونالدسن این نص را دلیل بر ارثی بودن امامت می‌داند و اظهار می‌دارد: «اگرچه شروط امامت به لحاظ نظری بر وجوب تعیین امام از جانب امام قبلی تصریح دارند، ولی به هر حال مشاهده می‌کنیم که در حقیقت این امر از طریق ارث منتقل شد و زمانی که علی اکبر، پسر حسین در کربلا به قتل رسید، امامت به پسر دیگر او که علی اصغر بود و بعدها به زین‌العابدین ملقب شد، انتقال یافت (همان، ص ۱۱۴).

## ۱-۲. انتساب عقاید پیش از اسلام به شیعیان

یکی از اموری که دونالدسن آن را از عادات پیش از اسلام مسلمانان (شیعیان) دانسته است، به کار بردن نقاره است. او در توصیف حرم امام رضا علیه السلام در مشهد، ضمن اشاره به عمارت نقاره‌خانه در سر در ورودی صحن قدیم، می‌گوید: نواختن نقاره برای تحیت خورشید به هنگام طلوع و غروب آن، دلیل بر باقی ماندن برخی عادات مربوط به ستایش خورشید در ایران پیش از اسلام است (همان، ص ۱۸۷).

از همین دست موارد، مسئله زیارت و احترام به قبور صالحین است که دونالدسن آن را از مهم‌ترین مظاهر رسوخ یافته و ثنیت (بت‌پرستی) در بین مسلمانان و شیعیان می‌داند. او اظهار می‌دارد که علی‌رغم تصریح قرآن به توحید، مسلمانان به زیارت قبور مبادرت کرده‌اند. وی در این باب، شیعیان را بیشتر مورد توبیخ قرار می‌دهد که به تعظیم قبر پیامبر صلی الله علیه و آله بسنده نکرده‌اند، بلکه قبور ائمه و امامزادگان و زیارتگاه‌های دیگری را نیز مورد توجه قرار داده‌اند (همان، ص ۲۶۶)؛ در حالی که این امر اختصاص به شیعیان ندارد و دیگر مسلمانان نیز چنین زیارتگاه‌هایی دارند.

## ۱-۳. واقعه کربلا مصیبت ملی ایرانیان

دونالدسن به تبعیت از دیگر خاورشناسان، افسانه‌ی علاقه‌مندی ایرانیان به امام حسین علیه السلام به سبب ازدواج وی با دختر یزدگرد ساسانی را تکرار می‌کند. او پس از بیان واقعه عاشورا، درباره‌ی عزاداری ایرانیان به مناسبت مصیبت روز عاشورا می‌گوید: «اما ایرانیان به زمین کربلا به دیده‌ی احترام بسیار می‌نگرند؛ جایی که جنازه حسین پایمال اسب‌ها شد. آنان می‌گویند که یکی از همسران او، دختر یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی بود و لذا شهادت او را در کربلا مصیبت ملی بزرگی به شمار می‌آورند که خاطره‌ی آن را با تعزیه‌داری‌های بسیار و نمایش اسیران، در ماه محرم زنده نگه می‌دارند» (دونالدسن، ۱۴۱۰، ص ۱۰۱). نادرستی این سخن دونالدسن واضح‌تر از آن است که نیاز به استدلال

داشته باشد و فقط در این خصوص به این نکته اشاره می‌کنیم که اصل ماجرای ازدواج امام حسین علیه السلام با دختر یزدگرد سوم به لحاظ تاریخی مشکوک و مورد تردید است و این خود برای ابطال نظریهٔ دونالدسن کافی است (برای آگاهی بیشتر رک. به: شهیدی، ۱۳۲۴ ش، ص ۳۹ / افتخارزاده، ۱۳۷۱ ش، ص ۹۸-۱۹۱).

#### ۱.۴. امامت اسماعیل پسر امام صادق علیه السلام

دونالدسن در فصل مربوط به امام هفتم علیه السلام نخست دربارهٔ انتخاب ایشان به امامت سخن می‌گوید و اظهار می‌دارد: اسماعیل برادر بزرگ‌تر موسی بن جعفر برای امامت بعد از پدرش معین شده بود؛ اما پیش از پدر فوت کرد و این موجب اضطراب شدیدی در بین همهٔ شیعیان شد؛ زیرا آنان برای چنین موقعیتی آمادگی نداشتند (دونالدسن، ۱۴۱۰، ص ۱۶۱). دونالدسن این ادعای خود را به هیچ منبعی مستند نمی‌سازد و معلوم نیست مقصود او از اضطراب شدیدی که بعد از مرگ اسماعیل پیش آمد، چیست؛ زیرا از زمان مرگ اسماعیل تا پایان حیات امام صادق علیه السلام شیعیان دربارهٔ امامت مشکلی نداشتند و اختلافات فرقه‌ای پدید آمده بعد از شهادت آن حضرت نیز معلول عواملی چون جو خفقان‌آلود عصر عباسی و شیوهٔ وصیت امام صادق علیه السلام بود که در وصیت‌نامه خود پنج نفر را به عنوان امام معرفی کرده بود. او به همین گونه در ادامه اظهار می‌دارد: «شیعیان دوازده امامی تأکید می‌کنند که امام جعفر صادق بر امامت پسر بزرگش اسماعیل بعد از خودش تصریح کرده بود؛ جز اینکه اسماعیل شرابخوار بود و امامت به موسی، یعنی چهارمین فرزند از هفت فرزند او انتقال یافت» (همان). هر چند دونالدسن گفتهٔ خود را به هیچ منبعی مستند نمی‌کند، ولی احتمالاً منظور او از نص امام صادق علیه السلام بر امامت اسماعیل روایاتی است که از آن حضرت دربارهٔ بداء در امامت نقل شده است؛ زیرا هیچ نصی از امام علیه السلام دربارهٔ امامت اسماعیل در منابع شیعی - آنچنان که دونالدسن به شیعیان نسبت می‌دهد - وجود ندارد.

## ۲. شخصیت امامان

دونالدسن گاه در توصیف شخصیت امامان شیعه به خطا رفته است و این امر چنانکه از متن کتاب برمی آید ناشی از نوع منابع (کتب اهل سنت و منابع ضعیف) مورد استفاده اوست. از این موارد می توان به توصیفات وی از شخصیت امام حسن علیه السلام اشاره کرد. او پس از گزارش حوادث دوره کوتاه مدت خلافت امام که به صلح با معاویه و کناره گیری از خلافت منجر شد، برخی روایات نبوی (از کتب اهل سنت) را ذکر می کند که حوادث مذکور را پیش بینی کرده بودند؛ مانند روایتی مبنی بر اینکه به واسطه امام حسن دو طائفه از مسلمانان صلح خواهند کرد (دونالدسن، ۱۴۱۰، ص ۸۹) که اصل صحت این روایات جای بررسی دارد. دونالدسن سپس به بیان خصوصیات فردی امام حسن علیه السلام می پردازد. او در این باره اظهار می دارد که هر چند در روایات، حسن بن علی به پیامبر تشبیه شده است، ولی «اخبار حاکی از آن است که قدرت معنوی و شجاعت و خویشن داری و استعداد عقلی او برای رهبری مردم به سوی پیروزی، دچار نقصان بود» (همان، ص ۸۹). او در ادامه، امام را به شهوت رانی و هواپرستی متهم می کند و به نقل از دائرة المعارف اسلام می نویسد: «شهوات نفسانی و کمبود نشاط و هوشمندی دو خصلت اصلی اخلاق او بود. رابطه او با پدر یا برادرش پس از وفات فاطمه و در ایام کودکی به بهترین حالت ممکن نبود و عنفوان جوانیش در ازدواج ها و طلاق ها سپری شد؛ تا حدی که شمار کسانی که به همسری گرفت به صد نفر می رسید و طلاق دهنده نامیده می شد و برای علی دشمنان خطرناکی را پدید آورد. درباره اسراف کاری های فراوان وی استدلال شده به اینکه او اموال زیادی را به هر یک از زنانش اختصاص می داد؛ بدین ترتیب می بینیم که چگونه در طول خلافت علی اموال را به هدر می داد؛ در زمانی که خلافت خود به شدت نیازمند بود» (همان، به نقل از: دائرة المعارف اسلام، مدخل «حسن»).

او سپس برای تأیید این مطالب با استناد به یک منبع شیعی می‌گوید: «شیعیان خودشان نیز اعتراف دارند که حسن بن علی شصت زن و تعداد زیادی کنیز اختیار کرد و می‌خوانیم که تعداد زنان شرعی او به جز کنیزکان یا زنان صیغه‌ای، به شصت نفر می‌رسید. ذکر شده که تعداد آنها بین سیصد تا ششصد نفر بود و شمار زیادی از آنها را طلاق داد و لذا طلاق‌دهنده نام گرفت» (همان، ص ۹۰. به نقل از: عقایدالشیعه نوشته حاج میرزا آقاسی). او اضافه می‌کند که امام علی علیه السلام درقبال شکایت برخی مسلمانان نسبت به ازدواج امام حسن با دخترانشان و سپس طلاق دادن آنها، فرمود که دخترانشان را به ازدواج او در نیاورند (همان، به نقل از: مویر).

دونالدسن درباره زندگی امام حسن علیه السلام پس از مصالحه با معاویه، ضمن اشاره به اینکه حادثه مهمی در این دوره رخ نداد، اظهار می‌دارد که معاویه پیوسته، اموالی را برای امام ارسال می‌کرد و وی آنها را به مرور به هدر می‌داد و «نتیجه آن شد که گفته می‌شود چون به چهل سالگی رسید، در اثر (بیماری) سل درگذشت» (دونالدسن، ۱۴۱۰، ص ۹۰. به نقل از: دائرةالمعارف اسلام، مدخل «حسن»). او در ادامه به کم بودن معجزات منسوب به آن حضرت اشاره می‌کند و دلیلی که برای آن احتمال می‌دهد «انحطاط [اخلاقی] مشهور» وی می‌باشد (همان، ص ۹۰).

نکته قابل توجه در اظهارات پیش‌گفته دونالدسن، بهره‌گیری و نقل فراوان از مقاله مربوط به امام حسن علیه السلام در دائرةالمعارف اسلام نوشته هنری لامنس، کشیش، مبلغ و خاورشناس متعصب بلژیکی است که پیشتر درباره شخصیت و آثار وی نکاتی ذکر شد (ر.ک به: همین مقاله، بخش بررسی منابع. برای آگاهی بیشتر ر.ک به: کتاب‌های فرهنگ کامل خاورشناسان و نقد آثار خاورشناسان، ذیل مدخل «لامنس»).

## ۳. تاریخ تشیع

### ۳-۱. پیدایش تشیع

دونالدسن از جمله شرق‌شناسانی است که پیدایش و انتشار تشیع را ناشی از تعالیم و فعالیت‌های عبداللّه بن سبا می‌داند. او در فصل مربوط به امام علی علیه السلام در باب ظهور عقیده شیعه مبنی بر اینکه امامت یک حق الهی برای آن حضرت است، به تفصیل مطالبی درباره شخصیت عبداللّه بن سبا می‌آورد و در این باب به نوشته‌های ابن‌سعد، طبری، میرخواند، ولهاوزن و نیکلین استناد می‌کند (دونالدسن، ۱۴۱۰، ص ۵۹). وی بر همین اساس اعتقاد به وصایت امام علی علیه السلام را از تعالیم ابن‌سبا دانسته و اظهار می‌دارد: یکی از عقاید تأثیرگذار او این بود که هر پیامبری وصی‌ای داشته و علی علیه السلام وصی رسول خدا بود که آن حضرت خودش او را به این وصایت منصوب کرد (همان).

### ۳-۲. صلح امام حسن علیه السلام با معاویه

دونالدسن اخبار دوران خلافت امام حسن علیه السلام را از «اخبارالطوال» دینوری - که از نظر او شیعه‌مذهب است - بازگو می‌کند و درباره شرایط صلح‌نامه چنین نقل می‌کند: «زمانی که حسن سستی را در اصحاب خود دید، شرایط پیشنهادی خود بر معاویه را برای عبداللّه بن عامر فرستاد؛ در قبال اینکه خلافت را به او واگذار کند و این شرایط اینگونه بود: هیچ کس از مردم عراق مورد تعرض قرار نگیرند و... خراج اهواز برای او (امام حسن علیه السلام) باشد و هر سال به وی تحویل شود و یک میلیون درهم برای برادرش حسین بن علی فرستاده شود و بخشش‌ها و عطا‌های بنی‌هاشم بیش از بنی عبد شمس باشد» (دونالدسن، ۱۴۱۰، ص ۸۶)؛ بر این اساس دونالدسن چنین قلمداد کرده است که امام علیه السلام در قبال دریافت اموال بسیار، از حکومت کناره‌گیری نمود که این نشان از دنیاطلبی و مال‌دوستی وی بود؛ چنان‌که در چند صفحه بعد نیز به هنگام

توصیف شخصیت امام بر این دو خصلت در وجود ایشان تأکید می‌نماید (در این باره در بخش «شخصیت امامان» مطالبی ذکر شد).

دونالدسن در خصوص شرایط صلح‌نامه از منابع دیگری نقل نمی‌کند و فقط اشاره می‌کند که یعقوبی نیز روایتی مشابه دینوری آورده است؛ در حالی که یعقوبی در بیان مصالحه، اشاره‌ای به شرایط مذکور ندارد (یعقوبی، [بی تا]، ج ۲، ص ۲۱۳)؛ به علاوه به نظر می‌رسد دست‌های پنهانی در جعل شرایط مذکور برای صلح‌نامه نقش داشته‌اند؛ زیرا منابع تاریخی در این زمینه اتفاق نظر ندارند؛ چنان‌که در برخی منابع مانند «الفتوح» ابن اعثم کوفی اساساً از شرایط مذکور درباره خراج اهواز و بخشش‌های معاویه سخنی به میان نیامده است و منابع دیگر هم با اختلافاتی به این موارد اشاره کرده‌اند که اصل واقعه را مورد تردید قرار می‌دهد (برای بررسی بیشتر نگاه کنید به: جعفریان، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۳۷۸ به بعد).

### ۳-۳. محمد حنفیه و موضوع امامت

دونالدسن معتقد است خاندان (به تعبیر او حزب) علوی، پس از شهادت امام حسین علیه السلام در موضوع امامت دچار اختلاف شدند که آیا امامت به محمد حنفیه منتقل می‌شود یا خیر؟ اما در خصوص وجود این اختلاف به هیچ منبعی استناد نمی‌کند. شاید این سخن او بر اساس روایتی باشد که گفتگوی محمد حنفیه با امام سجاد علیه السلام را در مسئله امامت بازگو کرده است که بر فرض پذیرش روایت مذکور، مدعای دونالدسن را تأیید نمی‌کند. او در راستای نظریه خود، ادعای امامت از جانب محمد حنفیه را مطرح می‌کند و در این باره می‌گوید: «او حزبی قوی داشت که از او در ادعایش نسبت به امامت پشتیبانی می‌کرد و آنان کیسانیه بودند» (دونالدسن، ۱۴۱۰، ص ۱۱۲). در حالی که بر اساس شواهد تاریخی محمد حنفیه چنین ادعایی مطرح نکرده بود و در پیدایش فرقه کیسانیه نیز نقشی نداشت.



### ۳-۴. تمایل مأمون به تشیع

یکی از نکاتی که دونالدسن بر آن تأکید دارد، تمایل مأمون، خلیفه عباسی به تشیع است. او می‌گوید مأمون پس از درگذشت امام رضا علیه السلام و در دوران امامت امام جواد علیه السلام همچنان متمایل به تشیع باقی ماند و حتی به نظر او تغییر لباس مأمون از رنگ سبز (رنگ مورد علاقه علویان) به سیاه نیز بر خلاف میل قلبی او و به سبب شرایط سیاسی آن زمان بود. او درباره تمایل مأمون به تشیع در این زمان به شواهدی نیز اشاره می‌کند؛ نخست اینکه مأمون برخی شیعیان معروف ایرانی را در مناصب مهم به کار می‌گمارد؛ البته دونالدسن نامی از این شخصیت‌ها به میان نمی‌آورد، ولی می‌توان تصور کرد که مقصود او از این شیعیان ایرانی، فضل بن سهل وزیر مأمون و برادر او حسن - که بعد از کشته شدن فضل، به مقام وزارت رسید و دخترش را به ازدواج مأمون در آورد - باشند؛ زیرا اولاً به جز خاندان سهل ایرانیان دیگری در دربار مأمون حضور نداشتند که به آنها نسبت تشیع داده شده باشد و در ثانی، دونالدسن خود تصریح می‌کند که این خاندان متمایل به تشیع بودند (همان، ص ۱۹۶).

در این زمینه، دو نکته قابل بحث است: نخست اینکه تمایل فضل بن سهل و برادرش به تشیع نیازمند ارائه ادله کافی است. اغلب کسانی که به این تمایل اشاره کرده‌اند، از جمله خود دونالدسن (همان) به نقش فضل در آوردن امام رضا علیه السلام به مرو و سپردن ولایت‌عهدی به آن حضرت استدلال کرده‌اند که البته این امر برای اثبات تمایل وی به تشیع نیست. نکته دوم اینکه به کار گماشتن شیعیان در دربار مأمون نمی‌تواند دلیل بر تمایل وی به تشیع باشد؛ زیرا در این صورت باید پدر او هارون الرشید را نیز متمایل به تشیع بدانیم که شخصیتی مانند علی بن یقطین - از اصحاب امام هفتم که تشیعش قطعی است - در دربار او منصب اداری داشت و نیز شمار دیگری از خلیفگان عباسی که وزیران شیعی مانند خاندان فرات\* داشتند.

---

\* خاندان شیعی بنی فرات از اواخر قرن سوم هجری به مدت تقریباً سی سال همزمان با خلافت

شاهد دیگر دونالدسن درباره تمایل مأمون به تشیع این است که او فقط به استخدام شیعیان در مناصب حکومتی بسنده نکرد، بلکه «... توجه بیشتری از خود به خانواده امام رضا علیه السلام که در گذشته بود، نشان داد و... مدت طولانی‌ای نگذشت که دخترش ام‌الفضل را به ازدواج محمدالتقی بن علی‌الرضا درآورد...» (همان، ص ۱۹۷). دونالدسن ازدواج دختر مأمون با امام جواد علیه السلام را به سبب علاقه‌مندی او به خاندان امام رضا علیه السلام و تمایلش به تشیع دانسته است، در حالی که این ازدواج زمینه‌ای بود برای اعمال نظارت بیشتر بر زندگانی امام نهم که در نهایت نیز به شهادت امام علیه السلام به دست ام‌الفضل انجامید (ر.ک به: مسعودی، [بی تا]، ج ۴، ص ۵۲ / همو، ۱۴۰۹، ص ۲۲۷ / ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ق، ج ۴، ص ۳۷۹).

### ۳-۵. شیعیان و تدوین احادیث

دونالدسن در فصل بیست و هفتم کتاب، به موضوع آغاز گردآوری احادیث توسط شیعیان و مقایسه آن با تدوین احادیث در نزد اهل سنت پرداخته است. او معتقد است اهل سنت در این کار پیشگام بودند و نخستین بار مالک بن انس با تدوین کتاب «الموطا» به این کار اقدام نمود و پس از او، صاحبان «صحاح سته» کتاب‌های خود را در قرن سوم نوشتند؛ اما تدوین احادیث توسط شیعیان در زمان آل بویه آغاز شد؛ یعنی زمانی که «اوضاع به سبب دگرگون شدن زمانه برای عباسیان، نسبت به گذشته بسیار تغییر کرد و اوضاع توسط آل بویه به نفع شیعیان رخ نمود... و احادیثی جدید به صورتی اصولی گردآوری شدند...» (دونالدسن،

---

المنتقد، القا و الرازی در مناصب مختلف حکومتی مثل وزارت و دیوان‌سالاری در دربار عباسی فعالیت می‌کردند (ر.ک به: همدانی، ۱۸۷۹، ص ۴۶ و بعد از آن / مسکویه، ۱۳۶۶، ش، ج ۱، ص ۱۵ و بعد از آن).

۱۴۱۰، ص ۲۸۲). او سپس به نقل از بروکلیمان مهم‌ترین کتب حدیثی شیعه را نام می‌برد که اولین آنها کتاب الکافی کلینی است و از دیگر تألیفات روایی پیش از الکافی نامی به میان نمی‌آورد (همان، ص ۲۸۳). او همچنین در بیان ظهور آل بویه (فصل بیست و ششم) با صراحت بیشتری به این موضوع پرداخته است و می‌گوید: «در دوران حکومت آل بویه که حدود ۱۵۰ سال ادامه یافت، احادیث شیعه گردآوری شد و عقاید خاصشان شکل گرفت» (همان، ص ۲۷۴). دونالدسن در جای دیگری از کتاب (فصل ششم در شرح زندگانی و خلافت امام حسن علیه السلام) نیز به این نکته اشاره دارد که احادیث شیعه تا نیمه سوم هجری تدوین نشده بود. او در این فصل به مناسبت از کتاب اخبارالطوال ابوحنیفه دینوری (متوفای ۲۸۲ هـ. ق) نام برده و در معرفی و بیان ارزش تاریخی آن، می‌گوید: این کتاب بیش از تدوین احادیث توسط شیعیان نوشته شد (همان، ص ۸۴).

شاید بتوان این گفته‌های دونالدسن را اینگونه توجیه نمود که منظور او از تدوین احادیث شیعه، پیدایش مجموعه‌های بزرگ حدیثی یا به تعبیر دیگر، جوامع حدیثی مثل «کتب اربعه» بوده است؛ وگرنه روشن است که تدوین احادیث در بین شیعیان به قرن دوم هجری و زمان حضور ائمه علیهم السلام می‌رسد که بسیاری از اصحاب و شاگردان ایشان به گردآوری احادیث ایشان در مجموعه‌های کوچک مبادرت می‌کردند و حاصل آن، پدید آمدن نوشته‌های متعدد حدیثی از جمله «اصول اربع مئه» بود که برخی از آنها تا به روزگار ما باقی مانده است. با نگاهی به کتاب‌های فهرست، مانند فهرست ابن‌الندیم (متوفای ۳۸۰ هـ. ق) و فهرست شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ هـ. ق) و یا کتب رجال، مثل رجال نجاشی (متوفای ۴۵۰ هـ. ق) شمار زیادی از تألیفات مذکور را می‌توان شناخت.

## ۴. عالمان و نویسندگان شیعی

### ۴-۱. نویسنده تبصرة العوام

دونالدسن گاه در انتساب کتب شیعی به نویسندگان‌شان نیز دچار اشتباه شده است؛ مثلاً زمانی که به بررسی عقیده شیعیان درباره عصمت پیامبران پرداخته و آن را به تألیفات عصر آل بویه مانند کتب کلینی، شیخ صدوق و شیخ مفید نسبت می‌دهد، از کتاب «تبصرة العوام» نیز نام می‌برد و می‌گوید: «این عقیده همچنین در کتاب تبصرة العوام یافت می‌شود که از نخستین کتاب‌هایی است که به فارسی در مناظرات دینی نوشته شده و تألیف سید مرتضی علم‌الهدی در همین دوره است» (دونالدسن، ۱۴۱۰، ص ۳۲۸). پیداست که دونالدسن کتاب «تبصرة العوام» را به دانشمندان معروف شیعه، علی بن حسین موسی بغدادی (متوفای ۴۳۶ هـ. ق) مشهور به سید مرتضی و ملقب به علم‌الهدی نسبت داده است که در دوره حکومت آل بویه و همعصر با شیخ صدوق و شیخ مفید می‌زیسته است؛ در حالی که کتاب مذکور، یکی از تألیفات دانشمند پرکار شیعی در قرن ششم هجری، صفی‌الدین مرتضی بن داعی حسینی رازی است که او نیز ملقب به علم‌الهدی بود (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۳۱۹)؛ ولی در عصر آل بویه و شیخ صدوق و مفید نمی‌زیست. ظاهراً تشابه اسمی، موجب شده دونالدسن دچار چنین اشتباهی شود.

### ۴-۲. ابن بابویه خراسانی

به همین ترتیب، دونالدسن درباره برخی عالمان شیعه نکات نادرستی اظهار کرده است؛ مثلاً وی شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه (متوفای ۳۸۱ هـ. ق) را از مردمان خراسان دانسته است که از آن دیار به بغداد آمد و به تدریس و تألیف پرداخت (دونالدسن، ۱۴۱۰، ص ۲۰۸)؛ اگر چه ظاهراً شیخ در مشهد به دنیا آمد، ولی نشو و نمای وی و دوران جوانی‌اش در قم بود و تحصیلاتش را در این شهر و نیز در شهر ری به پایان برد. شاید این اشتباه دونالدسن به سبب سفر ابن بابویه به خراسان و ماوراء

النهر بوده باشد که پس از بازگشت از آن، راهی بغداد شد (ر.ک به: نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۲۷۶ / حلی، ۱۳۸۱ ش، ص ۲۴۸).

### ۴-۳. طبرسی تنها عالم شیعی قرن ششم هجری

دونالدسن در فصل بیست و هشت کتاب که به معرفی عالمان و مجتهدان شیعه در دوره بعد از آل بویه اختصاص داده شده است، طبرسی، صاحب تفسیر «جامع الجوامع» را تنها دانشمند شیعه در قرن دوازده میلادی، یعنی قرن ششم هجری معرفی می‌کند. او این امر را متأثر از اوضاع سیاسی این دوره می‌داند. دونالدسن پس از اشاره به انقراض حکومت آل بویه به دست سلجوقیان که حامیان خلیفه و پیروان سرسخت مذهب تسنن بودند، توضیح می‌دهد که سلجوقیان به شیعیان به چشم دشمنان دولت می‌نگریستند؛ چنان‌که خواجه نظام‌الملک وزیر مشهور و مقتدر آنان ۶۷ صفحه از کتاب سیاست‌نامه خود را به طعن روافض اختصاص داده است؛ و نتیجه این وضعیت سیاسی این بود که به جز شیخ طبرسی صاحب تفسیر «جامع الجوامع» در مشهد، هیچ مجتهد شیعی در این دوره ظهور نکرد (دونالدسن، ۱۴۱۰، ص ۲۹۱).

پیدااست که دونالدسن اطلاعات زیادی درباره عالمان شیعه در ادوار مختلف نداشته است و در این زمینه تتبع کافی ننموده است؛ حتی می‌توان گفت به منابع موجود در این باره هم مراجعه نکرده است؛ زیرا نگاهی به کتب رجالی و مصنفات دانشمندان شیعه نشان می‌دهد که شماری از عالمان و مجتهدان شیعه در دوره حاکمیت سلجوقیان، یعنی نیمه دوم قرن پنجم و قرن ششم هجری فعالیت داشتند که از آن جمله می‌توان به ابوعلی طوسی فرزند شیخ طوسی، محمد بن ادریس حلی، ابوالفتوح رازی، قطب‌الدین راوندی و شیخ عبدالله دوریستی و دیگران اشاره کرد که هر یک، تألیفات و آثار علمی متعدد و ارزنده‌ای داشتند (ر.ک به: رازی، ۱۳۶۶ ش / ابن شهر آشوب، [بی تا]، ذیل نام‌های مذکور).

#### ۴.۴. دینوری تاریخ‌نویس شیعی

ابوحنیفه احمد بن داوود دینوری (متوفای ۲۸۲ ه. ق) از نویسندگان قرن سوم هجری است که در موضوعات مختلف تألیفاتی دارد؛ از جمله کتاب اخبارالطوال که از منابع کهن و معتبر تاریخ اسلام به شمار می‌رود. دونالدسن در بررسی وقایع بعد از شهادت امام علی علیه السلام و آغاز خلافت امام حسن علیه السلام به این کتاب ارجاع داده است و برای تبیین ارزش تاریخی این کتاب، در چند جمله آن را معرفی کرده است؛ ولی در معرفی خود دچار اشتباه شده است. او نویسنده کتاب را شیعه دانسته است و اظهار می‌دارد: «شاید موثق‌ترین مصدر شیعی درباره حوادث بعد از وفات علی، مطالبی باشد که در کتاب اخبارالطوال ابوحنیفه دینوری (۸۹۵ میلادی) آمده است. این کتاب اهمیت والایی دارد؛ زیرا از دیدگاه شیعی نوشته شده است، قبل از آنکه احادیث توسط آنان (شیعیان) تدوین شده باشد» (دونالدسن، ۱۴۱۰، ص ۸۴)؛ در حالی که تشیع و یا گرایش دینوری به شیعه ثابت نشده است. در منابع رجالی متقدم شیعه، مانند «رجال» نجاشی، «رجال» و «فهرست» طوسی و «معالم العلماء» ابن شهر آشوب نامی از وی نیامده است و در منابع کتابشناسی نیز به تشیع وی اشاره نشده است (ابن الندیم، ۱۳۶۶ ش، ص ۸۶ / بغدادی، [بی تا]، ج ۱، ص ۲۱۹) و تنها، نویسنده الذریعه به گونه‌ای تردیدآمیز به این نکته اشاره کرده است (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۳۸)؛ همچنین در میان انواع تألیفات دینوری اثری که مؤید گرایش او به تشیع باشد، وجود ندارد و اطلاعات موجود در «اخبار الطوال» نیز مشعر به این موضوع نیستند.

## ۵. اشتباهات تاریخی

### ۵-۱. سعد بن ابی وقاص برادر کیست؟

دونالدسن گاه در معرفی شخصیت‌های صدر اسلام، مثلاً سعد بن ابی وقاص نیز دچار خطا شده است. او زمانی که وقایع دوران خلفای پیش از امام علی علیه السلام را بیان می‌کند، به معرفی اعضای شورای شش نفره تعیین شده از جانب عمر بن خطاب برای انتخاب خلیفه می‌پردازد و در آنجا سعد بن ابی وقاص را برادر عبدالرحمان بن عوف معرفی می‌کند (دونالدسن، ۱۴۱۰، ص ۳۹)؛ در حالی که حتی نمی‌توان این اشتباه را ناشی از خلط این مسئله با واقعه تاریخی عقد اخوت میان مسلمانان دانست، بلکه باید آن را معلول عدم آشنایی نویسنده با زبان عربی تلقی کرد.

### ۵-۲. ابوذر و دعوت ایرانیان به اسلام

از دیگر اشتباهات دونالدسن درباره شخصیت‌های صدر اسلام، گفتار او در خصوص ابوذر غفاری است. او در معرفی ابوذر، وی را «سومین ایمان آورنده به پیامبر» توصیف می‌کند و سپس اظهار می‌کند که ابوذر برای دعوت مردم به دین جدید به ایران آمد (همان، ص ۲۶۷).

درباره زمان اسلام آوردن ابوذر باید گفت که - بر خلاف گفته دونالدسن - وی به یقین سومین اسلام آورنده نبود؛ زیرا بر اساس اکثر منابع تاریخ اسلام اولین ایمان آورندگان به پیامبر اعضای خانواده ایشان، یعنی خدیجه و علی بن ابی طالب و زید بن حارثه بودند؛ همچنین در روایتی از خود ابوذر نقل شده است که می‌گفت من چهارمین اسلام آورنده بودم و قبل از من، سه نفر مسلمان شده بودند (ابن سعد، [بی تا]، ج ۴، ص ۲۱۹ / ابن اثیر، [بی تا]، ج ۱، ص ۳۰۲ / همو، [بی تا]، ج ۱، ص ۴۴۷). اما آمدن ابوذر به

ایران برای تبلیغ دین اسلام مطلبی بدیع است که در کتب تاریخی و رجالی به آن هیچ اشاره‌ای نشده است و البته دونالدسن خود نیز متذکر نشده است که این مطلب را از چه منبعی گرفته است.

### ۵-۳. درباره صفویان و تاریخ‌شان

یکی از اشتباهات دونالدسن مربوط به تاریخ صفویان است. او در توصیف چگونگی روی کار آمدن صفویان به شرح حال شیخ صفی‌الدین اردبیلی و فرزندانش تا اسماعیل اول می‌پردازد و می‌گوید: صفی‌الدین اردبیلی ادعا می‌کرده که از نسل امام موسی کاظم علیه السلام است (دونالدسن، ۱۴۱۰، ص ۲۹۶)، حال آنکه ادعای سیادت صفویان پس از آغاز پادشاهی این خاندان مطرح شد. وی همچنین درباره سن اسماعیل اول در آغاز پادشاهی دچار اشتباه شده است و او را نوزده ساله دانسته است (همان)، در حالی که منابع تاریخی معمولاً سن وی را در این هنگام سیزده سال ذکر کرده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

### نتیجه

بررسی کتاب دونالدسن نشان می‌دهد اطلاعات شرق‌شناسان درباره تشیع امامی تا اوائل قرن بیستم میلادی تا چه حد ناقص و آکنده از اشتباه بوده است. وجود این نواقص و اشتباهات معلول عواملی چند می‌باشد که مهم‌ترین آنها نوع منابع در دسترس و مورد استفاده غربیان بوده است. به نظر می‌رسد شرق‌شناسان به منابع تاریخی و اعتقادی شیعیان امامی - به هر دلیلی - دسترسی کمتری داشته‌اند. این ضعف منابع را در کتاب عقیده‌الشیعه به‌خوبی می‌توان دید؛ چنان‌که حدود یک سوم منابع مورد استفاده دونالدسن را کتب اهل سنت و یک سوم دیگر را تألیفات



شرق‌شناسان تشکیل می‌دهد و این در حالی است که مؤلف در صدد بیان عقاید شیعیان برآمده است. افزون بر این، دونالدسن از اغلب منابع متقدم شیعی که در قرن‌های سوم و چهارم هجری تدوین شده‌اند، غافل مانده است و بیشترین توجه وی به تألیفات دوره صفویه و بعد از آن بوده است؛ همچنین چنان‌که در بخش‌هایی از مقاله اشاره شده است، منبع‌شناسی دونالدسن ضعیف بوده است، به طوری که برخی نویسندگان غیرشیعی را شیعه دانسته و یا در شناخت عالمان و تألیفات شیعیان نیز دچار اشتباهاتی شده است.

عامل دیگر، مطالعات دیرهنگام شرق‌شناسان درباره تاریخ و عقاید تشیع امامی می‌باشد که تا نیمه نخست قرن بیستم بسیار اندک بوده است؛ در حالی که تا این زمان، تحقیقات فراوانی به دیگر فرقه‌های شیعی مانند زیدیه و اسماعیلیه اختصاص یافته بود. این عامل، خود به نحوی نشأت گرفته از عامل نخست می‌باشد؛ زیرا طبیعتاً اگر در منابع مورد استفاده و در دسترس شرق‌شناسان مطالب بیشتری نسبت به تاریخ و عقاید امامیان موجود بود، موجب جلب توجه بیشتر آنان به این موضوع می‌گردید. کمبود تحقیقات شرق‌شناسان در باب تشیع امامی نیز در کتاب عقیده الشیعه مشهود است؛ به طوری که در فهرست منابع غربی مورد استفاده دونالدسن که به صد تألیف می‌رسد، حتی یک کتاب که به طور اختصاصی به تاریخ یا عقاید شیعه پرداخته باشد، وجود ندارد و تنها منابع تخصصی در این زمینه، کتابی درباره زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام از هنری لامنس و کتابی دیگر درباره زندگانی امام حسن و امام حسین علیهما السلام از نویسنده‌ای دیگر است. بدیهی است که اگر منابع تخصصی دیگری وجود نداشت و یا در دسترس دونالدسن بود، از آنها در کتاب عقیده الشیعه نیز استفاده می‌شد و یا دست کم نامشان ذکر می‌گردید.

## منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین علی؛ *اسد الغابه فی معرفة الصحابه*؛ تهران: اسماعیلیان، [بی تا].
۲. ابن سعد کاتب؛ *طبقات الکبری*؛ بیروت: دار صادر، [بی تا].
۳. ابن شهر آشوب؛ *معالم العلماء*؛ قم: [بی تا]، [بی تا].
۴. \_\_\_\_\_؛ *مناقب آل ابی طالب*؛ نجف: مطبعة الحیدریه، ۱۳۷۶ ق.
۵. ابن کثیر، اسماعیل؛ *البدایه و النهایه*؛ تحقیق علی شیری؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، [بی تا].
۶. ابن التمیم، محمّد بن اسحاق؛ *الفهرست*؛ تحقیق رضا تجدد؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶ ش.
۷. افتخارزاده، محمودرضا؛ *اسلام در ایران*؛ تهران: مؤسسه نشر میراث‌های تاریخی اسلام و ایران، ۱۳۷۱ ش.
۸. بدوی، عبدالرحمان؛ *فرهنگ کامل خاورشناسان*؛ ترجمه شکرالله خاکرند؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۹. بغدادی، اسماعیل پاشا؛ *ایضاح المکنون*؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۰. \_\_\_\_\_؛ *هدیه العارفین*؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۱. تهرانی، آقا بزرگ؛ *الذریعه الی تصانیف الشیعه*؛ بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۳.
۱۲. جعفریان، رسول؛ *تاریخ سیاسی اسلام (تاریخ خلفا)*؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، ۱۳۷۴ ش.
۱۳. حسینی طباطبائی؛ *نقد آثار خاورشناسان*؛ تهران: چاپ پخش، ۱۳۷۵ ش.
۱۴. حلّی، حسن بن یوسف؛ *خلاصة الاقوال*؛ الطبعة الثانیه، نجف: حیدریه، ۱۳۸۱ ق.
۱۵. دونالدسن، دوايت. ام؛ *عقیده الشیعه*؛ تعریب ع. م؛ بیروت: مؤسسه المفید، ۱۴۱۰.
۱۶. زرکلی، خیرالدین؛ *الاعلام*؛ الطبعة الخامسة، بیروت: دارالمالین، [بی تا].
۱۷. شهیدی، سید جعفر؛ *زندگانی علی بن الحسین*؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۱۸. طوسی، محمّد بن حسن؛ *فهرست*؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۹. عبداللهی خوروش، حسین؛ *فرهنگ اسلامی شناسان خارجی*؛ [بی جا]: گل افشان، ۱۳۶۲ ش.
۲۰. عقیقی، نجیب؛ *المستشرقون*؛ مصر: دارالمعارف، ۱۹۶۴.
۲۱. کحاله، عمر رضا؛ *معجم المؤلفین*؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، [بی تا].

۲۲. مسعودی، علی بن حسین؛ اثبات الوصیه؛ بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۹.
۲۳. \_\_\_\_\_؛ مروج الذهب؛ بیروت: دارالمعرفه، [بی تا].
۲۴. مسکویه رازی، احمد بن محمد؛ تجارب الامم و تعاقب الهمم؛ تهران: [بی جا]، ۱۳۶۶ ش.
۲۵. رازی، منتجب‌الدین؛ فهرست؛ قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۳۶۶ ش.
۲۶. نجاشی، محمد بن علی؛ الرجال؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶.
۲۷. همدانی، عبدالملک؛ تکمله تاریخ الطبری؛ لیدن: بریل، ۱۸۷۹ م.
۲۸. یعقوبی احمد بن واضح؛ تاریخ یعقوبی؛ بیروت: دارصادر، [بی تا].





پښتونستان د علومو او مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علومو انسانی